

تأثیر سیاست و رویکرد مذهبی ایلخانان بر اوضاع مسیحیان جنوب قفقاز

مریم محمدی^۱

چکیده: از جمله سرزمین‌هایی که توسط مغولان فتح شده و سپس به عنوان منطقه تابع ایلخانان اداره می‌شد، جنوب قفقاز بود. در دوره ایلخانان، حکومت باگراتیون قدرت برتر در این منطقه بود و امرای این نواحی به‌جز مناطقی خاص در اران و قراباغ که به طور مستقیم اداره می‌شد، وابسته و تحت فرمان حکومت باگراتیون بودند. عوامل چندی بر سیاست و روابط حاکمان جنوب قفقاز و ایلخانان تأثیر می‌گذاشت. مقاله حاضر به دنبال تبیین و تحلیل تحولات مربوط به جنوب قفقاز در پیوند با ایلخانان از منظر دینی است و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که سیاست خارجی ایلخانان از جمله سیاست مذهبی آنان، چه تأثیری بر اوضاع مسیحیان این منطقه در دوره حکومت ایلخانی داشت؟ یافته‌های این تحقیق که به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است، نشان می‌دهد جنوب قفقاز به دلیل موقعیت راهبردی و ادعاهای ارضی اردوی زرین در این منطقه، اهمیتی خاص برای ایلخانان داشت. ایلخانان غیرمسلمان تلاش می‌کردند تا علاوه بر سیاست‌های معمول به‌وسیله اعطای امتیازات به مسیحیان منطقه از اتحاد آنان با اردوی زرین جلوگیری کرده و از دشمنی آنان با مسلمانان به خوبی برای جنگ علیه اردوی زرین و مالیک بهره‌برند. از طرف دیگر، مسیحیان جنوب قفقاز نیز تلاش می‌کردند تا از تفاوت باورهای ایلخانان غیرمسلمان، علیه مسلمانان و در جهت اعتلای دین مسیحیت استفاده کنند. مسلمان شدن ایلخانان باعث تغییر در سیاست مذهبی آنان در مقابل مسیحیان و اعمال سختگیری و فشار بر مسیحیان جنوب قفقاز شد. گرچه فشار بر مسیحیان منطقه تاحدی بر روابط سیاسی آنان با ایلخانان مسلمان تأثیر گذاشت؛ اما سیاست کلی ایلخانان مسلمان در جنوب قفقاز با ایلخانان غیرمسلمان در استفاده از نیروی نظامی آن، علیه دشمنان و نیز حفظ منطقه به عنوان سرزمین حایل و مهم راهبردی در مقابل اردوی زرین تغییری نکرد.

واژه‌های کلیدی: ایلخانان، سیاست و روابط خارجی، اوضاع مذهبی، مسیحیان، قفقاز

جنوبی، باگراتیون

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد Mmohammadi@ferdowsi.um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۴/۰۶/۱۶

The impact of Ilkhanid's religious policy and approach on Christians in South Caucasus

Maryam Mohamadi¹

Abstract: South Caucasus, conquered by Mongols and controlled by Ilkhanids, was the homeland of Bagrationi administration. The governors in this region, except Arran and Karabakh, were under the supreme ruling command of Bagrationi. So there had been some political affairs between the governors and Ilkhanids. Seeking a reasonable explanation and analysis regarding South Caucasus development from religious point of view, this article is to answer this question: what was the impact of Ilkhanid's foreign affairs, namely religious policy, on Christians in this region?

The findings, based on the documents and library resources, confirm the significance of south Caucasus for the Ilkhanids either as a strategic territory or for the rival claim of Golden Horde in the region. The non Muslim Ilkhanids made a great effort to not only give advantage to the Christians to prevent them from coalition with the Golden Horde, also to take advantage from Christians hostility against Muslims to win the Golden Horde and Mamluks at the same time. On the other hand, the Christians of South Caucasus were looking forward to misusing the ideological differences between non Muslim Ilkhanids and Muslims for the sake of Christianity transcendence. Although Ilkhanids' conversion to Islam relatively changed the pattern of religious policy against Christians, the general policy of the converted Ilkhanids remained unchanged towards non Muslim Ilkhanids. This was regarding the utilization of their military force and also to maintain the land as a strategic retaining territory against the Golden Horde.

Keywords: Ilkhanids, foreign affairs, religious affairs, the Christians, south Caucasus, Bagrationi

1 Assistant Professor Department of History at the University of Mashhad Mmohammadi@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی^۱ در گذشته از نظر راهبردی، یکی از مهم‌ترین مناطق به شمار می‌رفته است. در دوره ایلخانان، این منطقه عموماً شامل سه سرزمین اران و قراباغ، ارمنستان و گرجستان بود. بیش‌تر ساکنان این منطقه را در ارمنستان و گرجستان، مسیحیان تشکیل می‌دادند. علاوه بر اهمیت راهبردی، سیاسی و اقتصادی، قفقاز جنوبی برای ایلخانان به دلیل ادعاهای ارضی اردوی زرین و تلاش این دولت برای دست‌یابی به شمال غرب قلمرو ایلخانان، قفقاز جنوبی به عنوان منطقه حایل میان دو دولت می‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در سیر حوادث داشته باشد. به‌علاوه نیروهای جنوب قفقاز به دلیل دشمنی با مسلمانان، متحدان خوبی برای ایلخانان در نبرد با دولت‌های مسلمان از جمله ممالیک محسوب می‌شدند. در چنین شرایطی سیاست خارجی ایلخانان در قفقاز جنوبی و نحوه روابط آنان با دولت‌های این منطقه می‌توانست تأثیر زیادی بر تحولات منطقه، تکاپوهای اردوی زرین و قدرت ایلخانان در مقابل ممالیک بگذارد.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایلخانان در مقابل دولت‌های قفقاز جنوبی، رویکرد و سیاست مذهبی ایلخانان در این منطقه می‌باشد. از ابتدای تأسیس دولت ایلخانان، دو گروه ایلخانان غیرمسلمان و ایلخانان مسلمان قدرت را دست داشتند. رویکرد مذهبی این دو گروه در مقابل مسیحیان جنوب قفقاز با یکدیگر تاحدودی فرق داشت.

لازم به ذکر است از آنجا که داده‌های منابع و مآخذ فارسی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی قفقاز جنوبی در این دوره بسیار کم است؛ در این مقاله سعی شد تا از منابع ارمنی و مآخذ عمدتاً انگلیسی و فرانسوی استفاده شود. نویسندگان برخی از منابع ارمنی مانند کیراکوس،

۱ منطقه قفقاز به وسیله رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ یا کوه‌های آب‌پخشان که با جهت شرقی-غربی امتداد یافته است به دو ناحیه جداگانه قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی (ماوراء قفقاز) تقسیم می‌شود. لازم به ذکر است که ماوراء قفقاز، واژه‌ای جغرافیایی می‌باشد و از دیدگاه روس‌ها به مناطقی که در پشت رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ واقع است، اطلاق می‌شود و شامل آن بخش از منطقه قفقاز است که در جنوب رشته‌کوه‌های قفقاز قرار دارد. بنا به گزارش امیراحمدیان در دومین کنفرانس بین‌المللی قفقازشناسی که در می ۱۹۹۸م، در تفلیس برگزار شد، به پیشنهاد دکتر امیراحمدیان و پرفسور قامر لیدزه مقرر گشت که از آن پس از کاربرد واژه ماوراء قفقاز اجتناب نموده و به جای آن از واژه قفقاز جنوبی و معادل ترجمه آن در زبان‌های دیگر استفاده شود. در منطقه قفقاز جنوبی در حال حاضر از شرق به غرب به ترتیب، جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و در قفقاز شمالی از شرق به غرب به ترتیب، جمهوری‌های خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردا-بالکار (قبارطه-بلغار) قاراجای-چرکس و آدیگه واقع شده‌اند که از نظر سیاسی-اداری در ترکیب فدراسیون روسیه قرار دارند. ن. ک: بهرام امیراحمدیان (۱۳۸۱)، *جغرافیای کامل قفقاز*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، صص ۱۹-۲۲.

و ارتان و اوربلیان از جمله افرادی بودند که اطلاعات خود را بر مبنای دیده‌های شخصی و یا شنیدن از سایرین گرد آورده‌اند. با این همه این منابع، تنها دوره‌های اولیه تاریخ ایلیخانان را پوشش می‌دهند و برای آگاهی بیش‌تر از موضوع مقاله به مطالعه مآخذ هم نیاز بود. نویسندگان این تحقیقات برای نوشتن کتاب‌های خود از اسناد آرشیوی، سکه‌ها و کتیبه‌هایی استفاده کرده بودند که در دسترس نویسنده مقاله نبود. به همین دلیل، این تحقیقات تا حد زیادی توانستند خلاء برخی داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز را درباره مقاله پر کنند.

تأثیر سیاست‌های ایلیخانان غیرمسلمان بر اوضاع مسیحیان قفقاز جنوبی

منگوقاآن (حک ۶۴۸-۶۵۷ق/۱۲۴۹-۱۲۵۹م) پس از رسیدن به قدرت، طی قوریتایی که در سال ۱۲۵۱/۶۵۰م برپا شد، هلاکو (حک ۶۵۱-۶۶۳ق/۱۲۵۶-۱۲۶۵م) را برای تکمیل فتوحات مغولان و تحکیم حاکمیت آن‌ها به مناطق غربی امپراطوری فرستاد. به دستور منگوقاآن لشکریانی از تمام الوس‌ها به عنوان لشکر تما به هلاکو پیوستند. در این میان، نیروهای نظامی قفقاز جنوبی نیز مجبور به همراهی با این سپاهیان شدند.^۱ گرچه سرزمین‌های تحت تابعیت مغولان مجبور بودند سربازانی در اختیار فاتحان قرار دهند، اما مسیحیان این منطقه در ادامه لشکرکشی‌های هلاکو به متصرفات ممالیک مصر و ابویان از جمله حلب و حماة، مانند لشکرکشی به بغداد، نقشی بیش از سایر گروه‌ها ایفا کردند.^۲ این شدت عمل آنان در مقابل مسلمانان از انگیزه‌های مذهبی ناشی می‌شد و در واقع، اقدامی تلافی‌جویانه در مقابل رفتار مسلمانان در جنگ علیه مسیحیان بود.^۳ رانسیمان معتقد است که میافارقین «بیش‌تر به پاس مددهای یاران گرجی و ارمنی هلاکو خان به زودی تسخیر شد».^۴ این موضوع از احساسات ضد اسلامی مسیحیان ناشی می‌شد و این همدلی در جنگ با مسلمانان به حدی بود که میان امرای مغولان و بعدها ایلیخانان غیرمسلمان با مسیحیان توافق شد تا تشکیل واحدهای کمکی، به شاهان محلی قفقاز جنوبی محول گردد.^۵ با

1 Arewelc'i vardan(1862), *Hawak'umn patmut'ean Vardanay vardapeti lusabaneal* [Compilation of History by Vardapet Vardan Arewelc'i], Venice: Mechitarist Press, p.89.

2 Ganjakeci Ganjakeci(1961), *Patmutiwn Hayoc[History of Armenia]*, ed: K.A, Melik O hanjanyan, Erevan, uuuuunuu, pp.315-316; Het'um the Historian(1842), *Historian of the Tatars.(The Flower of Histories of the East)*, translator: M. Awgorean, Venice: S.Ghazar, pp.50-51; Smbat Sparapet, Smbatay Sparapeti taregir'(1956), Editor: S.Agelean, Venice: S.Ghazar, p.110.

۳ استیون رانسیمان(۱۳۷۱ش)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۳۶.

۴ رانسیمان، همان، ج ۳، ص ۳۶۵.

۵ برتولد اشپولر (۱۳۶۸ش)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۴۰۱.

پیروزی مغولان و دستیابی آنان بر میافارقین، مسیحیان در کنار دیگر سپاهیان، انتقام بسیار سختی از مسلمانان گرفتند. درحالی که برای نجات مسیحیان شهر تلاش کرده و آنان را امان دادند.^۱ در این نبردها، افرادی مهم و برجسته از خاندان‌های معروف و قدرتمند ارمنی و گرجی، نظیر خاندان مزارگریلی و اوربلیان شرکت نموده و حتی متحمل تلفاتی شدند.^۲

رشادت و خدمات مسیحیان در جنگ‌های هلاکو علیه مسلمانان باعث شد تا هلاکو از مسیحیان حمایت کرده و به تقویت آن‌ها بپردازد؛ تاجایی که به عنوان حامی مسیحیان شناخته شد.^۳ از طرف دیگر حمایت دو خاتون مسیحی دربار، سرفوقتینی و دوقوز خاتون، مادر و همسر هلاکو از مسیحیان بر رفتار ایلخان با آنان تأثیر می‌گذاشت.^۴ آکترچی اشاره دارد که وقتی هلاکو صد هزار رأس خوک به عنوان مالیات دریافت نمود، دستور داد تا تعدادی از این خوک‌ها را به شهرها و مناطق مسلمان‌نشین ایران ببرند و مسلمانان را به خوردن گوشت آن‌ها وادار نمایند. او علت این دستور هلاکو را خوشنود ساختن نظامیان مسیحی حاضر در سپاهش می‌داند که بخش مهمی از نیروهای نظامی او را تشکیل می‌دادند و هنر قهرمانی و وفاداری خود را در جنگ‌ها به او نشان داده بودند.^۵

به نظر می‌رسد علاوه بر این موضوع، دشمنی هلاکو با ممالیک و اردوی زرین به سرکردگی برکه مسلمان (حک ۶۵۴-۶۶۵ ق. ۱۲۵۶-۱۲۶۶ م.) که ادعاهای ارضی در بخشی از متصرفات ایلخانان، یعنی در اران و آذربایجان داشت به نزدیکی هلاکو به سپاهیان مسیحی قفقاز جنوبی دامن زده بود. به علاوه اینکه جنوب قفقاز، منطقه حایل بسیار مهمی، میان متصرفات ایلخانان و اردوی زرین که پیوسته با یکدیگر دشمنی داشتند، محسوب می‌شد و راضی نگه‌داشتن مسیحیان می‌توانست بر حفظ بهتر مرزهای شمال غربی ایلخانان در مقابله با برکه مسلمان تأثیر گذارد.

۱ رانسیمان، همان، ج ۳، ص ۳۶۵؛ اشیولر، همان، ص ۶۲

2 Arewel'I, Ibid, p.152; Step'annos, Orbelean, (1866), *Histoire de la Siounie, translate to french by M. Brosset, St.Petersburg, anonyme*, VI, pp.233-234; Ganjakeci, Ganjakeci(1961), *Patmutiwn Hayoc*[History of Armenia, ed: K.A, Melik O hanjanyan, Erevan, uŋuuŋuŋu, p.325; Het'um, pp.58-59&183; Robert Gregory, Bedrosian(1979), *the Turco-Mongol invasions and the Lord of Armenia in the 13-14th centuries*, no place, Columbia University: p.198.

۳ رشیدالدین فضل‌الله‌همدانی(۱۲۷۳ش)، *جامع‌التواریخ*، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۲، تهران: البرز، ص ۶۷۸

۴ همان‌جا.

5 Grigor Aknerci(1949),“History of the nation of the archers (The Mongols),” The Armenian text edited with an English Translat by Robert.P.Blake & R. N. Fruye, Harvard Tournal of Asiatic studies, No: 3-4, pp.269-443, p.140.

اهمیت مطالبات اردوی زرین در منطقه از چشم حاکمان گرجی هم دور نمانده بود و آن‌ها سعی می‌کردند از این اختلافات به نفع خود استفاده کنند. همان‌گونه که ایلخانان نیز نگران نزدیکی باگراتیون با اردوی زرین بود. به‌عنوان نمونه داوود لاشا (حک ۶۴۴-۶۶۸عق/۱۲۴۷-۱۲۷۰م) اندکی پس از بازگشت از جنگ، علیه ممالیک به دلیل ظلم و احجاف مأموران مالیاتی مغول شورش کرد. او، نزد داوود نرین (حک ۶۴۲-۶۹۰عق/۱۲۴۵-۱۲۹۲م) که در آن زمان در ابخاز بود و به دلیل اختلاف با هلاکو با برکه رابطه برقرار نموده بود، رفت تا از شورش او حمایت کند.^۱ درحالی‌که شورش داوود لاشا، گرجستان را به هم ریخته و حاکمیت ایلخانان را در قفقاز جنوبی به خطر انداخته بود حمله برکه به قفقاز جنوبی باعث شد تا هلاکو با نریمش بیش‌تری در مقابل این شورش، راهکار دیگری را در پیش بگیرد؛ زیرا او به‌خوبی می‌دانست که در صورت پیوستن نیروهای مخالف گرجی به برکه، این شرایط، کاملاً به نفع اردوی زرین خواهد بود.^۲ به همین دلیل او در اوایل محرم سال ۶۶۱عق/۱۲۶۲م، زمانی که عازم مقابله با برکه بود در شابران پس از محاکمه عاملان مالیاتی گرجستان، آن‌ها را به یاسا رسانید.^۳ اشاره شده است که دقوز خاتون در اتخاذ چنین تصمیمی توسط هلاکو بسیار مؤثر بود و او را به خوبی از خطر نزدیک شدن گرجستان به اردوی زرین و تبعات بعدی این اتحاد آگاه کرد.^۴ پس از آن هلاکو دوباره، داوود لاشا را بر دیگر حاکمان و امرای گرجستان برتری داده و با انتصابش به عنوان یارگوچی، آماده جنگ با برکه شد. پس از این توافق داوود نیز با سپاهیان خود در نبرد علیه اردوی زرین شرکت کرد. درحالی‌که در همان هنگام، مهاجمین سلجوقی به کشورش هجوم آورده بودند و او به علت حضور در کنار هلاکو نمی‌توانست از سرزمینش در مقابل این مهاجمین دفاع کند.^۵ در دوره اباقا (حک ۶۶۳-۸۰عق/۱۲۶۴-۱۲۸۱م)، کار مسیحیان همچنان رونق داشت.

۱ اشپولر، همان، صص ۶۸-۶۹.

2 William Edward David, Allen(1932), *A History of the Georgian People from the beginning down to Russian conquest in the nineteen century*, v1, No place, Barnes&noble, p.117.

۳ غیات‌الدین بن همادالدین الحسین خواندمیر(۱۳۳۳ش)، *حبیب‌السیرفی اخبار افراد بشر*، جزء اول از ج ۳، تهران: انتشارات خیام، ص ۱۰۴؛ منوچهر مرتضوی(۱۳۷۰)، *مسائل عصر ایلخانان*، تهران: آگاه، ص ۱۸۱.

4 Howarth, H.Henry, Howarth(no date), *History of the Mongols from the 9th to 19th*, V3, NewYork: Burt franklin, pp.189-190; Bedrosian(1979), *Ibid*, p.223.

۵ اشپولر، همان، صص ۶۰، ۳۷۳؛

Brosset, m.F, Brosset(1858), *Histoire the La georgie*, V1, St. Petersburg: anonyme, pp.547- 548 & 564 - 565; Allen, *Ibid*, v1, p.117.

مسیحیان قفقاز جنوبی، سپاهیان ایلخانان را جهت نبرد با مسلمانان یاری می‌دادند^۱ و اباقا نیز سعی می‌کرد رشادت‌های سپاهیان مسیحی‌اش را به خوبی پاداش دهد و آنان را همچنان به عنوان نیروی نظامی کارآمد خود در منطقه قفقاز جنوبی حفظ کند. مثلاً او به پاس خدمات نظامی تارساتیک اوربلیان (حک ۶۸۳-۶۸۹ ق. ۱۲۷۳-۱۲۹۰ م.) که جانشین سنباد بود، هدایای بسیار باارزشی عطا کرد و چنان مقام و مرتبه‌اش نزد اباقا فزونی گرفت که این ایلخان در مناسبت‌های متعدد، لباس سلطنتی‌اش را بر قامت تارساتیک پوشانید و یا کمربندی از طلای ناب که به جواهرات و مرواریدهای قیمتی مزین بود به کمر او بست.^۲ تارساتیک دشمن سرسخت مسلمانان و در جنگ علیه اردوی زرین و دیگر نقاط مانند حماه و حمص و غیره شهرو بود.^۳ او قبل از اینکه حاکم تمام متصرفات خاندان اوربلیان شود در منطقه اورتون^۴ سیونیک حکومت داشت و در تقویت مسیحیان و دشمنی با مسلمانان می‌کوشید. در کتیبه‌ای که از او در این منطقه به تاریخ سیزدهم نوامبر ۱۲۷۶ م. ۶۷۴ ق. وجود دارد، اشاره کرده است که پنج روستا را به جهت حمایت مالی به کلیسای این ناحیه بخشیده است. تارساتیک در ادامه یکی از اهداف خود را از این کار، تلاش برای تحقق نیافتن اهداف مسلمانان علیه مسیحیان عنوان می‌کند و اشاره دارد که: «باشد که مسلمانانی که به قدرت رسیدند و سعی در غارت کلیساها داشتند با شیطان به جهنم بروند و خانه و آیندگان‌شان نابود گردد».^۵ علاوه بر دشمنی مسیحیان با ممالیک، داشتن متحدانی قدرتمند، مانند خاندان حکومت‌گر اوربلیان در ارمنستان در دشمنی ایلخانان با اردوی زرین بسیار مهم بود و کار این دولت را برای دستیابی به متصرفات شمال غربی ایلخانان سخت‌تر می‌نمود.

اباقا با اینکه خود، بودایی بود؛ به مسیحیان تعلق خاطر داشت. او نیز مانند پدرش، روابط خوبی با حاکمان مسیحی قفقاز جنوبی داشت. این موضوع باعث شد تا در دوره خود به برخی از امرای این منطقه، امتیازاتی عطا کند. او، حکومت دیمتری دوم (حک ۶۶۹-۶۸۷ ق. ۱۲۷۱-۱۲۷۱-۱۲۷۱-۱۲۷۱)

۱ همدانی، همان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ سیدبرهان‌الدین میرخواند (۱۳۳۹ ش)، روضةالصفاء، ج ۵، تهران: انتشارات خیام، ص ۲۸۳؛ جورج لین (۱۳۸۹ ش)، ایران در اوایل عهد ایلخانان (رسانس ایران)، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۹۷.

۲ لین، همان، ص ۹۷؛ Bedrosian, Ibid, p.197.

3 Orbelean, Ibid, v1, p.233.

4 Orton.

5 Orbelean, Ibid, v1, p.233.

۶ عباس اقبال (۱۳۳۶ ش)، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۰۲.

۷ در ارمنستان و گرجستان به امرای خاندان‌های حکومت‌گر که اداره بخشی از منطقه را در اختیار داشتند؛ ناکسارار (لرد) ←

۱۲۸۹م) را به عنوان شاه تابع باگراتیون بر گرجستان تأیید کرد، اما برخلاف اسلافش، متصرفات سرگیس جاکلی^۱ را که از خاندان‌های قدرتمند و پرنفوذ گرجستان بودند و عمده قلمروشان در سمت‌رخه^۲ آقرار داشت از تابعیت پادشاهی باگراتیون بیرون و به‌طور مستقیم به تابعیت دولت ایلیخانان درآورد. در دوره حکومت اباقا بر مقام و مرتبه سرگیس بیش از پیش افزوده شد. به‌گونه‌ای که ایلیخان در سال ۶۷۱ق/۱۲۷۳م، مناطقی از جمله ارزروم را نیز به متصرفات او اضافه و او را به منصب اینجویی مفتخر کرد.^۳ آلن معتقد است یکی از علل افزایش مقام و قدرت جاکلی‌ها در دوره مورد نظر این بود که اباقا به دیمتری و جاکلی‌ها برای حفظ قدرت و موقعیت ایلیخانان در قفقاز جنوبی در دوره جنگ‌های سخت ایلیخانان با مصر که در خلال سال‌های ۶۷۴-۶۷۹ق/ ۱۲۷۶-۱۲۸۱م رخ داد، وابسته بود.^۴ به نظر می‌رسد این وابستگی بیش‌تر به دلیل تقابل و دشمنی مذهبی قدیمی و ریشه‌دار مسیحیان با مسلمانان بوده است که به‌خصوص در دوره ایلیخانان غیرمسلمان به خوبی نمود پیدا کرد. می‌توان به این استدلال آلن، این نکته را هم افزود که قدرت یافتن مسیحیان در این دوره، تابعی از سیاست خارجی ایلیخانان بود، درحالی‌که رقبای سیاسی ایلیخانان مثل اردوی زرین و ممالیک، حول محور اسلام با هم متحد شده بودند، ایلیخانان نیز دست همکاری به دولت‌های مسیحی دراز کردند و در نتیجه، مسیحیان و مسیحیت در قلمرو ایلیخانان و تحت‌تأثیر این روابط تقویت شدند، ایلیخانان هم برای جلب نظر دولت‌های مسیحی و خشنود کردن آن‌ها به نواختن مسیحیان پرداختند.^۵ به‌خصوص اینکه جنگ و دشمنی با اردوی-

→

اطلاق می‌شد. این حاکمان اساساً ارباب زمین‌هایی بودند که در اصل به تمام خاندان تعلق داشت و آنان به عنوان رؤسا و سرکردگان این خاندان‌ها، حق فروش این سرزمین‌ها و یا انتقال آن را به هر شکل دیگر نداشتند. آن‌ها از ثروت عظیمی برخوردار بودند که آن را از طریق زمین و کار دهقانان وابسته به این زمین‌ها و نیز از طریق تجارت، اقتصاد خودکفا و تولید محصولات صنعتی به دست می‌آوردند. آن‌ها به عنوان رؤسا و اربابان نواحی خود از پادشاه کشور اطاعت کرده و به عنوان فرماندهان نظامی موظف بودند در جنگ‌ها با نیروهایشان شرکت نمایند. در این مقاله به جای ناکسارار و یا لرد از واژه امرا برای این افراد استفاده شده است. برای اطلاعات بیش‌تر دربارهٔ نهاد ناکسارارایسم ن.ک:

Bedrosian(1979), Ibid, pp.159 –160 & 163; Vahan M, Kurkjian(no date), A History of Armenia, no place, General Benevolent Union of America, pp.311 – 316.

1 Jakeli.

2 Samtzkhe.

3 Brosset, Ibid, v1, p.586; Bedrosian, Ibid, p.184.

۴ لین، همان، ص ۸۹:

Bedrosian, Ibid, p.185.

5 Allen, Ibid, v1, p.118.

۶ اقبال، همان، صص ۲۰۳-۲۰۲؛ شیرین بیانی(۱۳۷۱ش)، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران: نشر دانشگاهی، صص ۹۰۳-۹۱۰.

زرین در دوره اباکانیز تداوم یافت.^۱ این هم دلیل دیگری بود تا اباقا بکوشد مناسبات خوب خود را با امرا و خاندان‌های حکومت گرجی حفظ کند تا به واسطه این نیروها بهتر بتواند تهدیدهای اردوی زرین را به مرزهایش دفع کرده و یا از اتحاد احتمالی آن‌ها جلوگیری نماید.

اباقا سعی می‌کرد از پیوندهای مذهبی مردم قفقاز جنوبی و دولت‌های مسیحی غربی برای پیشبرد اهداف خود علیه ممالیک استفاده کند. به عنوان نمونه او از گرجیان در سال ۶۷۴ق. / ۱۲۷۶م. به عنوان سفیر خود به دربارهای دولت‌های غربی، جهت دعوت به اتحاد آنان با دولت ایلخانان، علیه حکومت ممالیک مصر بهره گرفت. او این سفیران را که دو برادر گرجی، موسوم به ژان و جیمز وازلی بودند جهت دیدار با پاپ به ایتالیا فرستاد. آن‌ها همچنین دستور داشتند تا از دربارهای انگلستان و فرانسه دیدار نمایند و پیام اباقا را برای جهاد، علیه ممالیک به پادشاهان این سرزمین‌ها برسانند. گرچه این سفارت نتیجه خاصی در برنداشت،^۲ اما این موضوع نشان از علاقه مسیحیان قفقاز جنوبی در همراهی با مغولان در مقابل مسلمانان نیز دارد.

در مجموع، دوره اباقا برای مسیحیان قفقاز جنوبی و به‌خصوص برای برخی از خاندان‌های برجسته گرجی و ارمنی، دورانی توأم با آرامش بود، زیرا اباقاخان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود به‌ویژه در مقابل ممالیک و اردوی زرین به تقویت جاه‌طلبی‌های سیاسی و مذهبی برخی از خاندان‌های حکومتگر ارمنی و گرجی از جمله مزارگرزلی، آرجرونی،^۳ جاکلی و اوربیلیان مبادرت نمود.^۴

به دنبال درگذشت اباقاخان و رقابت‌هایی که بر سر جانشینی رخ داد سرانجام، احمد تکودار زمام امور را در دست گرفت (حک ۶۸۰-۶۸۳ق. / ۱۲۸۱-۱۲۸۴م.).^۵ تکودار در ایام جوانی به دین مسیح درآمده بود، اما به دلیل هم‌نشینی با مسلمانان به تدریج به اسلام گرایش یافت و مسلمان شد. تکودار تلاش کرد با سیاست دین مشترک به اردوی زرین و ممالیک نزدیک شود. در صورت تحقق چنین هدفی، دیگر نزدیکی به مسیحیان برای اهداف نظامی و سیاسی، موضوعیت خود را از دست می‌داد. از طرف دیگر دولت‌های مسلمان نیز منتظر دیدن گام‌های عملی تکودار

۱ میرخواند، همان، ج ۵، ص ۲۸۳؛ رشیدالدین فضل‌الله، همان، ج ۲، ص ۱۰۶۰.

۲ رانسیمان، همان، ج ۳، ص ۴۱۵.

۳ همان، ج ۳، ص ۴۱۵.

۴ Arjeroni.

۵ Bedrosian, Ibid, pp.183-184.

۶ بیانی، همان، ج ۲، صص ۱۹۲-۱۹۴.

برای دشمنی با غیر مسلمانان و به خصوص مسیحیان بودند. شاید به همین دلایل بود که تکودار در صدد برآمد مغولان را مسلمان و مسیحیان را که پیش از این نفوذ و قدرت زیادی به دست آورده بودند، تضعیف کند و اقداماتی نیز در این زمینه انجام داد؛ مثلاً کلیسای تبریز را ویران و بسیاری از مسیحیان را به قبول اسلام مجبور کرد و حتی ماریهبالا، رئیس کلیسای نسطوری را دستگیر و به زندان انداخت^۱ و اقداماتی نیز در زمینه آزار و اذیت و ضربه زدن به مسیحیان قفقاز جنوبی صورت داد. با وجود تلاش‌هایی که تکودار در راستای اعتلای اسلام و دشمنی با غیرمسلمانان به خصوص مسیحیان صورت داد؛ حکومت کوتاه مدت او اجازه نداد تا او بتواند به اقدامات بیش‌تری علیه مسیحیان این منطقه مبادرت نماید.^۲

به دنبال رقابت بر سر قدرت، میان تکودار و ارغون، بالاخره ارغون موفق می‌شود به عنوان ایلخان جدید، زمام امور حکومت را در دست گیرد (حک ۶۸۴-۹۰ ق. ۱۲۸۴م-۱۲۹۱م).^۳ ارغون نیز سیاست مذهبی هلاکو و اباقا را در پیش گرفت و از مسیحیان حمایت کرد. در دوره ارغون، مسیحیان، وضعیّت خود را بهبود بخشیدند.^۴ البته علاقه ارغون به مسیحیان باعث نشد تا او او منافع خود را به سود این گروه کنار گذارد، زیرا در دوره زمامداری او در اوایل دهه ۸۰ ق. ۱۲۸۰م، بیش از صد و پنجاه صومعه در قفقاز جنوبی مشمول مالیات شدند و این موضوع نشان می‌دهد که سیاست‌های ایلخانان درباره همه گروه‌ها بیش از هر چیز از منافع آن‌ها ناشی می‌شده است.^۵

در میان مسیحیان ارغون به عنوان دوستدار و حامی مسیحیان شناخته می‌شد. به همین دلیل برخی از افراد برجسته مسیحی سعی می‌کردند مراتب ارادت و دعای خود را برای دولت ایلخانان به اطلاع او برسانند. مثلاً استفان اوربلیان مورخ تاریخ سیونیک که یکی از پسران تارساتیک و یک کشیش مسیحی بود جهت ابراز دوستی مسیحیان ارمنستان و به خصوص خاندان قدرتمند اوربلیان به دربار ارغون رفت. استفان اوربلیان، کلیسای متحرک باشکوه به ارغون هدیه داد. ارغون نیز با او رفتاری مناسب و شاهانه داشت. ایلخان با دستن خود، لباسی زیبا و گران قیمت به

۱ اقبال، همان، ص ۲۲۷؛ رنه گروسه (۱۳۵۳ش)، امپراطوری صحرائوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۶۰۷.

2 Orbelean, Ibid, v1, p.237; Bedrosian (1979), Ibid, p.266.

۳ همدانی، همان، ج ۲، صص ۱۱۳۵-۱۱۳۶.

۴ بیانی، همان، ج ۲، ص ۴۲۶.

5 Bedrosian, Ibid, p.288.

او پوشانید، پاییزهای زرین به او داد و طی یرلیغی، او را به سراسقفی تمام کلیساهای ارمنستان منصوب نمود.^۱

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت اینکه برقراری روابط دوستانه با دولت‌های مسیحی، بخشی از سیاست خارجی ارغون هم بود. او برای موفقیت در نقشه لشکرکشی علیه ممالیک مصر و جلوگیری از تهدیدهای اردوی زرین، درصدد تقویت مسیحیان و مناسبات حسنه با آنان برآمد.^۲ گرچه اظهار علاقه و تمایل ارغون، نسبت به مسیحیان، بیش‌تر ناشی از انگیزه‌های سیاسی او بود و سعی داشت تا امکان اتحاد با دولت‌های مسیحی را بر ضد ممالیک مصر فراهم سازد، یا مانع تهدیدها و حملات اردوی زرین به شمال غربی قلمرو خود شود و نفوذ مسلمانان را در دربار و امور حکومتی و یا موارد دیگر خنثی نماید؛^۳ همین موضوع باعث مهربانی و خوشرفتاری ارغون با مسیحیان شد و باعث گشت تا مسیحیان قفقاز جنوبی در دوره ارغون، وضعیت خوبی داشته باشند.^۴ آزادی مسیحیت در دوره اباقا و ارغون تاحدی بود که در سکه‌های قفقاز جنوبی، این جمله ضرب می‌شد: «به نام پدر، پسر و روح‌القدس، این سکه، متعلق به ارغون است».^۵

با درگذشت ارغون، گیخاتو به حکومت رسید. (حک ۶۹۰-۹۴ق. ۱۲۹۱-۱۲۹۴م). از دوره کوتاه مدت حکمروایی او، گزارش‌های چندانی درباره سیاست‌های مذهبی‌اش درباره مسیحیان قفقاز جنوبی وجود ندارد. با این همه، بیانی اشاره دارد که گیخاتو، مانند اباقا و ارغون به مسیحیان احترام می‌گذاشت، اما در عین حال اجازه نمی‌داد در امور مملکت دخالت کنند،^۶ اما بدورسیان گزارش می‌دهد که وقتی گیخاتو به حکومت رسید، دست به تصفیه در میان طرفداران ایلخان قبلی زد و یکی از گروه‌هایی که در این میان قتل‌عام شدند ارامنه بودند.^۷ این گزارش از طرفی نشان می‌دهد که سیاست‌های مذهبی ارغون در قفقاز جنوبی تا آخر حکومت او به نفع مسیحیان بوده، و چنان موجبات رضایت آن‌ها را فراهم آورده بوده که گیخاتو از فعالیت‌های بعدی این گروه علیه خود بی‌مناک بوده است. از طرف دیگر بیانگر این موضوع نیز می‌باشد و الویت‌بندی منافع و سیاست‌های

1 Orbelean, Ibid, v1, pp.238-239&265-266; Howarth, Ibid,v3, pp.345-346.

۲ همان‌جا.

۳ اشپولر، همان، صص ۲۲۲-۲۲۳.

4 Howarth, Ibid, v3, p.313; Hetum, Ibid, p.62.

5 Howarth, Ibid, v3, p.355.

۶ بیانی، همان، ج ۲، ص ۴۳۱.

7 Bedrosian, Ibid, p.201.

ایلخانان، از جمله گیخاتو ایجاب می‌کرد که مسیحیان نیز گاهی قربانی این سیاست‌ها، حتی در میان ایلخانان غیرمسلمان شوند.

با اینکه دوره حکومت بایدو (حک ۶۹۴ق. / ۱۲۹۴م.) بسیار کوتاه بود، اما سیاست‌های مثبت او در مقابل مسیحیان باعث شد تا آنان، دورانی توأم با آرامش داشته باشند. بایدو اقداماتی برای آسایش مسیحیان قفقاز جنوبی انجام داد. به عنوان نمونه، او جلال پسر تارساتیک اوربلیان را با نیروی کمی از مغولان به محل اقامت کاتولیک‌ها در اران که تقریباً در شمال غربی گنجه واقع بود، فرستاد تا به اوضاع ساکنان مسیحی این منطقه سامان داده شود، و در نهایت مقرر شد تا این گروه برای آسایش و راحتی بیش‌تر به کنستانتین پل فرستاده شوند.^۱ لازم به ذکر است که در دشمنی و رقابت‌های میان بایدو و غازان (حک ۶۹۴-۷۰۳ق. / ۱۲۹۴-۱۳۰۳م.)، داوود هفتم (حک ۶۹۲-۷۱۱ق. / ۱۲۹۳-۱۳۱۱م.) پسر دیمیتری دوم، پادشاه باگراتیون از حامیان و طرفداران بایدو بود.^۲ می‌توان از این موضوع نیز تا حدی به روابط مناسب بایدو با مسیحیان پی برد.

نقش ایلخانان مسلمان در اوضاع مسیحیان جنوب قفقاز

با حکومت غازان خان، اوضاع مناطق مسیحی‌نشین قفقاز جنوبی تا حد زیادی دچار وخامت شد، به دنبال اسلام آوردن، غازان خان دستور داد تا تمام بناهای مذهبی مسیحیان مانند کلیساها و دیرها ویران و بر مسیحیان قفقاز جنوبی، سختگیری بسیاری اعمال شود. به دنبال این دستور، امیر نوروز که دشمنی غیرقابل انکاری علیه مسیحیان داشت به قفقاز جنوبی رفت تا به دستور ایلخان، کلیساهای گرجستان از جمله کلیسای معروف ویرجین^۳ در منطقه واردزیا^۴ را ویران و اموال گران قیمت آن را انتقال دهد. او در نخجوان و ارمنستان نیز همین اقدامات را انجام داد و کلیساهای این منطقه را خراب کرد.^۵ به عنوان نمونه در نوراونک، پایتخت سیونیک، کلیساها ویران شدند. با وجود این، این کلیساها، توسط ساکنان منطقه تعمیر شد. در پی اقدامات امیر نوروز، بسیاری از مسیحیان منطقه قفقاز جنوبی کشته و زنان و فرزندان‌شان به بردگی رفتند.^۶

1 Orbelean, Ibid, v1, p.260; Howarth, Ibid, v3, p.388.

2 Howarth, Ibid, v3, p.421.

3 Virgin.

4 Vardzia.

5 Orbelean, Ibid, v1, p.263; Brosset, Ibid, v1, pp.616-617; Allen, Ibid, v1, p.120; Howarth, Ibid, v3, p.421.

6 Noravank.

7 Orbelean, Ibid, v1, pp.261-262; Howarth, Ibid, v3, pp.421-422; Bedrosian, Ibid, pp.210-211; L,

←

علاوه بر سختگیری بر مسیحیان، اسلام آوردن غازان خان بر روابط سیاسی او با باگراتیون نیز تأثیر گذاشت و باعث شد تا داوود هفتم برای اعلام اطاعت و بندگی به خدمت ایلخان نرود. او پس از سرپیچی از فرمان غازان خان، مبنی بر حضور در اردو، در حالی که پسرش را نزد ایلخان می‌فرستاد، برادرش وختانگ را به‌عنوان فرستاده نزد تغتو (حک ۶۹۱-۷۱۲ ق. / ۱۲۹۱-۱۳۱۲ م.) خان اردوی زرین که غیرمسلمان بود،^۱ فرستاد و با پیشنهاد اتحاد علیه ایلخانان اعلام کرد که حاضر است در صورت تمایل تغتو به جنگ با ایلخانان، جاده و راه‌های مواصلاتی را به روی آنان باز کند.^۲ داوود هفتم در مخالفت علیه ایلخانان، بهترین گزینه را انتخاب کرده بود؛ زیرا تغتو، خان قدرتمند اردوی زرین در این دوره، سیاست‌ها و برنامه‌هایی، جهت دستیابی به قفقاز جنوبی و توسعه ارضی در این حدود داشت.^۳ گرچه این اتحاد صورت نگرفت؛ اما این موضوع تاحدی باعث آشفتگی اوضاع سیاسی گرجستان به ضرر ایلخانان در دوره غازان خان شد.^۴ البته اشیپولر اشاره دارد که خاندان جاکلی با سپاهیان اردوی زرین در جهت دفع حمله ایلخانان به گرجستان همراهی داشتند.^۵ می‌توان احتمال داد که خاندان جاکلی در دوره حکمروایی غازان خان و به دلیل مسلمان بودن او، اصولاً در سیاست خارجی، مخالف ایلخانان و همراه اردوی زرین بوده‌اند.

با وجود اوضاع نابسامان و آشفتگی قفقاز جنوبی به‌خصوص گرجستان، چون در گذشته، شاهان و امرای این سرزمین به‌عنوان حاکمان تابع، مجبور بودند تا اربابان خود را در جنگ با دشمنان یاری دهند. به‌عنوان نمونه وقتی غازان خان در سال ۶۹۸ ق. / ۱۳۰۰ م.، فرمان حمله به مصر را داد؛ لشکریان گرجستان به فرماندهی وختانگ سوم (حک ۷۰۰-۷۰۳ ق. / ۱۳۰۰-۱۳۰۳ م.) در جنگ شرکت کردند.^۶ با این‌همه ایلخان به آنان اجازه نداد تا چون گذشته، دست به تعدی و قتل

→ Xach'ikyan(1950), *XIX Dari hayeren jerhagreri hishatakaraner*, Erevan, no name, pp.66&102&114&163&259&281&283.

۱ م.م. رمزی (۱۹۰۸ م.)، *تلفیق الاخبار و تلخیص الآثار فی وقایع قزان و بلغار و ملوک التتار*، ج ۱، به‌اتمام ابراهیم شمس‌الدین، اورنبورگ: مطبعة الکریمیة و الحسینیة، صص ۵۱۳-۵۲۲؛ همدانی، همان، ج ۱، صص ۷۴۴، ۷۲۲.

2 Orbelean, *Ibid*, v1, pp.263-264; Howarth, *Ibid*, v3, p.422; Brosset, *Ibid*, v1, p.618; Alexandre, Manvelichvili (sans date), *Historie de georgie*, Paris: de La toison dor, pp.238-239.

۳ شهاب‌الدین عبدالله و صاف (۱۳۳۸ ش.)، *تجزیة الامصار و ترجیة الاعصار (تاریخ و صاف)*، ج ۴، تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریزی، صص ۳۹۸-۳۹۹.

4 Brosset, *Ibid*, v1, pp.620-621; Howarth, *Ibid*, v3, p.425; Manvelichvili, *Ibid*, pp.237-239.

۵ اشیپولر، همان، ص ۱۰۶.

۶ همدانی، همان، ج ۲، ص ۱۲۹۵؛ اشیپولر، همان، ص ۱۰۴؛

Hetum, *Ibid*, pp.62&69; Manvelichvili, *Ibid*, pp.237-238.

مسلمانان زند و به شدت مانع قتل و غارت اهالی شهر، توسط مسیحیان ارمنی و گرجی شد.^۱ در دوره غازان خان مقرر شد تا نوشته‌هایی، نظیر «بسم الله» که از اندیشه‌های اسلامی سرچشمه می‌گرفت بر روی سکه‌ها حک شود. یکی از مراکزی که از دوره مغولان و نیز ایلخانان به ضرب سکه مبادرت می‌کرد، گرجستان و اران بود. فرمان غازان خان درباره آوردن عبارات اسلامی، شامل این مراکز نیز می‌شد. این موضوع درباره گرجستان که سرزمینی عمدتاً مسیحی‌نشین با پادشاهانی مسیحی بود، کمی متفاوت با سایر مراکز عمدتاً مسلمان‌نشین بود؛ زیرا آوردن عبارات اسلامی، مغایر با عقاید و آراء مذهبی آنان بود. با این همه داوود هفتم مجبور شد عبارت «بسم الله» را بر روی سکه‌های خود، نقش و به این ترتیب اطاعت خود را از فرمان ایلخان اعلام نماید.^۲

اوضاع نامناسب مسیحیان قفقاز جنوبی با روی کار آمدن الجایتو (حک ۷۰۳-۷۱۶ ق. / ۱۳۰۴-۱۳۱۶ م.) که پس از غازان خان، زمام امور را در دست گرفت، تداوم یافت. الجایتو در دوره حکومت خود سعی کرد تا مانند یک ایلخان مسلمان با مسیحیان قلمرو خود برخورد کند. به همین دلیل در همان سال جلوس، فرامینی در خصوص دریافت جزیه از مسیحیان صادر کرد که باعث فشار آمدن بیشتر بر این گروه شد.^۳ در همین دوره بیش‌تر ارمنستان، گرفتار اختلافات مذهبی و دودستگی میان گروه‌ها و فرق مختلف مسیحی و بزرگان دینی آنان شده بود. گروه‌های مختلف سعی می‌کردند قدرت و نفوذی در میان روحانیون پیدا کنند و به این صورت بر قدرت خود بی‌افزایند. علاوه بر این منازعه برای به دست آوردن زمین، بین صومعه‌های مختلف ارمنستان نیز بر آشفستگی اوضاع می‌افزود. کشمکش‌های مذهبی ارمنستان تا چندین سال ادامه یافت؛^۴ به گونه‌ای که حتی تشکیل شورای آدانا (۷۱۶ ق. / ۱۳۱۶ م.) که برای پایان بخشیدن به رقابت‌ها و اختلاف‌های اسقف‌های مسیحی بوجود آمده بود، نیز در برقراری آرامش مؤثر واقع نشد،^۵ این موضوع باعث شد تا مشکلات درونی مسیحیان نیز در کنار رویکرد مذهبی الجایتو بر آشفستگی و نابسامانی بیش‌تر اوضاع آن‌ها دامن زند.

۱ همدانی، ج ۲، ص ۱۲۹۵؛ بیانی، همان، ج ۳، ص ۹۸۷.

۲ خواندمیر، همان، جزء اول از مجلد سوم، ص ۱۷۴.

۳ همان‌جا.

۴ اشپولر، همان، صص ۱۹۳-۱۹۴.

5 Bedrosian, Ibid, p.266.

6 Arewelc'i, Ibid, p.139; Ganjakeci, Ibid, pp.130-131&186; Bedrosian(1979), Ibid, p.277.

7 Bedrosian, Ibid,p.278.

الجایتو در بازگشت از سفر جنگی به گیلان (۷۰۶ق. / ۱۳۰۷م.) که سپاهیان قفقاز جنوبی هم او را همراهی می‌کردند؛ به دلیل شکایت اهالی مسلمان یکی از شهرهای اران در صدد برآمد موضع سخت‌تری، نسبت به مسیحیان منطقه در پیش گیرد. به همین منظور، او یکی از نوپان‌ها را به گرجستان فرستاد تا مسیحیان این سرزمین و دیگر مناطق قفقاز جنوبی را مجبور به قبول اسلام نموده و کلیساها را خراب کند. داوود با اطلاع از این موضوع، خود را نزد الجایتو که در نخجوان بود، رساند و با یادآوری این موضوع که اسلاف او، همیشه به ایلخانان وفادار بوده و به آن‌ها خدمت کرده‌اند؛ اعلام نمود که آنان نمی‌خواهند و نمی‌توانند، مسلمان شوند و اگر روزی، مجبور به این کار شوند، همگی ترجیح می‌دهند، بمیرند. او از الجایتو درخواست کرد نسبت به تصمیم خود تجدید نظر کند. گرچه الجایتو با شنیدن این سخنان، دستور خود را لغو کرد، اما مسیحیان در دوره او از هرگونه فعالیت و آزادی محروم و مجبور به پرداخت جزیه و بستن زنار بودند.^۱ به نظر می‌رسد سخنان داوود تنها دلیل انصراف الجایتو از فرمان خود نبوده است. احتمالاً او نیم‌نگاهی به قدرت فوق‌العاده همسایه مدعی خود اردوی زرین نیز داشته است. در این زمان ایلخان با یکی از قدرتمندترین حاکمان این دولت، یعنی تغتو معاصر بوده است. نکته مهم‌تر اینکه تغتو، غیر مسلمان بود و این موضوع، احتمال پیوستگی حاکمان مسیحی قفقاز جنوبی را با تغتو علیه الجایتو بیش‌تر می‌کرد.

در واپسین سال‌های حکومت الجایتو، جورج پنجم (برلیان-درخشان) (حک ۷۱۳-۷۴۶ق. / ۱۳۱۴م-۱۳۴۶م.) که مدت کوتاهی در دوره غازان‌خان نیز قدرت را در گرجستان در دست گرفته بود به حکومت رسید.^۲ دوران حکومت او برای گرجستان، پربار بود و دولت باگراتیدی، قدرت قابل‌ملاحظه‌ای داشت. او پس از اینکه دشمنان و مخالفان را سرکوب، کارگزاران نالایق را اخراج و کلیساها را تصفیه نمود، به بازسازی کشور و عمران و آبادانی آن مبادرت نمود. همین موضوع باعث شد تا گرجستان در این دوره از نظر مذهبی نیز مانند روابط سیاسی، دوران آرامی را پشت سر گذارد؛ زیرا مناسبات این شاه باگراتی با الجایتو خوب بود و او به وظایف خود به عنوان شاه تابع از جمله در پرداخت جزیه و غیره به خوبی عمل می‌کرد.^۳

با درگذشت الجایتو، ابوسعید بهادرخان به قدرت رسید. (حک ۷۱۶-۷۳۶ق. / ۱۳۱۶-۱۳۳۵م.) در یک نگاه کلی به وضعیت قفقاز جنوبی، مخصوصاً مناطق مسیحی‌نشین این منطقه در دوره

۱ بیانی، همان، ج ۲، ص ۴۸۸؛ Brosset, Ibid, v1, pp.638-639.

۲ Brtsqinwaleh.

۳ Manvelichvili, Ibid, pp.241-243; Allen, Ibid, v1, pp.121-122.

حکومت ابوسعید می‌توان اشاره کرد که این دوره، علاوه بر اجحاف‌ها و نابسامانی‌های مالیاتی و ظلم و ستم‌هایی از این دست،^۱ از نظر مذهبی نیز، دوره خوب و توأم با آسایشی برای اهالی مسیحی قفقاز جنوبی نبود، زیرا رفته و رفته به دامنه این آزار و اذیت‌ها و سختگیری‌هایی که از زمان اسلام آوردن غازان خان به مسیحیان صورت می‌گرفت، افزوده شد. به‌عنوان نمونه در دهه نخست سده هشتم هجری/چهاردهم میلادی مسیحیان، بیش‌تر مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. در دهه دوم این سده، صومعه‌ها و کلیساها در بخش‌هایی از شمال‌شرقی ارمنستان و ایران و غارت و مسیحیان جنوب این سرزمین نیز از جمله در نواحی‌ای چون برکری، لوری و ارزنجان با سختگیری‌های زیادی مواجه شدند.^۲ شدت این اقدامات تاحدی بود که در دهه سوم گریگور اسقف شهر ارزنجان (کارین) به دلیل مقاومت در برابر سیاست‌های مذهبی ایلخانان کشته شد.^۳ در چنین شرایطی، مسیحیان از جمله در قفقاز جنوبی از سال ۷۳۴ق/۱۳۳۴م. مجبور به پوشیدن لباس‌های مخصوص و قابل تشخیص از دیگر گروه‌های مذهبی شدند، و این موضوع نیز بر میزان سختگیری‌های اعمال شده بر آنان افزود.^۴ از طرف دیگر از اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری/سیزدهم و اوایل سده چهاردهم میلادی، اقدامات ضد مسیحی و آزار این گروه‌ها در منطقه قفقاز جنوبی، توسط امرا و نوایان‌های مغول و حمله به کلیساها و صومعه‌های ثروتمند و غارت آن‌ها که به طور کلی از ضعف حکومتی و سیاست‌های مذهبی حاکمان ناشی می‌شد؛ بر آشفتگی و بی‌نظمی این منطقه افزود.^۵ به گونه‌ای که بدروسیان اوضاع سده هشتم هجری/چهاردهم میلادی از جمله دوره ابوسعید را برای مسیحیان، روزگاری «تلخ و جهنمی» توصیف می‌کند.^۶

نتیجه‌گیری

از آنچه در بالا گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که ایلخانان غیرمسلمان، پس از تابعیت حاکمان قفقاز جنوبی که بیش‌تر مسیحی بودند از اختلاف و دشمنی مذهبی آن‌ها با مسلمانان به نفع خود سود

1 Bedrosian, Ibid, pp.217-218.

2 Bedrosian, Ibid, p.210.

3 Samuel of Ani(1893), *Samueli k'ahanayi Anec'woy hawak'munk' i groc' patmagrac'*, editor A.Ter-Mik'elian, Vagharshapat, ۱۹۱۱, pp.167; Bedrosian, Ibid, p.211; Y.Manandean(1903), *Hayoc' nor vkanere*, 1155-1843(Armenian Neo-martyrs, 1155-1843), editor Hrh Acharean, Vagharshapat, p.123.

4 Samuel of Ani, lbip, p.165; Bedrosian, p.272.

5 Bedrosian, Ibid, p.242.

6 Bedrosian, Ibid, p.211.

جستند. از میان عوامل مختلف که در سیاست مذهبی مغولان و ایلخانان غیرمسلمان تعیین کننده بود، می توان به دشمنی آن ها با ممالیک که مغولان را شکست داده و راه ادامه فتوحاتشان را سد کرده بودند و مسلمان بودن بیش تر ساکنان قلمرو ایلخانان که ممکن بود به سوی دولت های مسلمان گرایش یابند، اشاره کرد. ممالیک پس از سقوط بغداد، مصر را به صورت مرکز دینی مسلمانان در آورده بودند و این موضوع می توانست تهدید بالقوه ای برای قلمرو ایلخانان که اکثریت مردم آن سنی مذهب بودند، تلقی شود. از طرف دیگر منطقه قفقاز جنوبی با اردوی زرین که به دنبال مطامع ارضی خود در اران و آذربایجان بود و گاه با ادعاهای مذهبی و اتحاد با ممالیک، کار را بر ایلخانان دشوار می نمود، مواجه بود. اتحاد و یا دادن راه عبور به اردوی زرین به وسیله حاکمان قفقاز جنوبی می توانست برای ایلخانان تهدیدی جدی تلقی شود. از این رو امرای مغول و ایلخانان غیرمسلمان، بنابر منافع و مقاصد سیاسی، نسبت به مسیحیان جنوب قفقاز تسامح نشان می دادند.

با مسلمان شدن ایلخانان، وضعیت مسیحیان جنوب قفقاز تاحدودی تغییر کرد؛ زیرا اینک ایلخانان، خود را مدافع حقوق مسلمانان و مجبور به درپیش گرفتن تمهیداتی در مقابل غیرمسلمانان از جمله مسیحیان جنوب قفقاز می دانستند. این موضوع تاحدی بر روابط ایلخانان مسلمان با حاکمان جنوب قفقاز تأثیر گذاشت و باعث شد تا مردم این منطقه در این دوره از حکومت ایلخانان در تنگنا قرار گیرند. از طرف دیگر در عرصه سیاست خارجی نیز موضوع استفاده از ابزارهای دینی علیه ممالیک و یا اردوی زرین به دلیل مسلمان بودن ایلخانان متفی شده بود و آن ها نمی توانستند نیروهای نظامی جنوب قفقاز را با ابزار دین علیه دشمنان هم مذهب خود، یعنی ممالیک و اردوی زرین برانگیزند. با این همه در تمام دوره مذکور، مطامع و اهداف سیاسی ایلخانان در روابط سیاست خارجی آن ها، عاملی تأثیر گذارتر از رویکرد مذهبی آنان بود و اگر خطری مطامع آن ها را تهدید می نمود به شدت در مقابل آن ایستادگی می کردند؛ همان گونه که درباره تابعیت منطقه جنوب قفقاز و مقابله با شورش های این منطقه بدون توجه به دین و مذهب ساکنان آن برخورد می کردند.

منابع و مأخذ

- اشیولر، برتولد (۱۳۶۸)، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- اقبال، عباس (۱۳۳۶ش)، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت: تهران، انتشارات امیرکبیر.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۱)، جغرافیای کامل قفقاز، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران: نشر دانشگاهی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسین (۱۳۳۳ش)، حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، جزء سوم از مجلد اول، تهران: انتشارات خیام.
- رانسیمان، استیون (۱۳۷۱)، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران: علمی و فرهنگی.
- رمزی، م.م (۱۹۰۸م)، تلفیق الاخبار و تلخیص الآثار فی وقایع قران و بلغار و ملوک التتار، به اهتمام ابراهیم شمس‌الدین، اورنبورگ: مطبعة الکریمیة و الحسینیة.
- لین، جورج (۱۳۸۹)، ایران در اوایل عهد ایلیخانان (رنسانس ایران)، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گروسه، رنه (۱۳۵۳)، امپراطوری صحرائنوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰)، مسائل عصر ایلیخانان، تهران: آگاه.
- میرخواند، سیدبرهان‌الدین (۱۳۳۹ش)، روضةالصفاء، ج ۵، تهران: انتشارات خیام.
- و صاف، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۳۸)، تجزیة الامصار و ترجمیة الاعصار (تاریخ و صاف)، تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریزی.
- ویلتس، دوراکه (۱۳۵۳)، سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سهامی انتشارات خوارزمی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳)، جامع‌التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: انتشارات البرز.

- Aknerci, Grigor (1949), "History of the nation of the archers (The Mongols)," The Armenian text edited with an English Translat by Robert.P.Blake & R.N.Fruye, Harvard Journal of Asiatic studies, No: 3-4.
- Allen, William Edward David (1932), A History of the Georgian People from the beginning down to Russian conquest in the nineteen century, No place: Barnes & noble.
- Arewelci, vardan (1862), Hawak'umn patmut'ean Vardanay vardapeti lusabaneal, Venice: Mechitarist Press.
- Babayan, H.L (1976), Hay zhoghovrdi patmut'iwn (History of the Armenian People), V3, Erevan, uúuuúuuú.
- Bedrosian, Robert Gregory (1979), the Turco-Mongol invasions and the Lord of Armenia in the 13-14th centuries, No place: Columbia University.
- Howarth, H. Henry [no date], History of the Mongols from the 9th to 19th, V3, New York: Burt franklin.

- Brosset, m.F(1858), *Historie the La georgie*. St, Petersburg: anonyme.
- Ganjakeci,Kirakos(1961),*Patmutiwn Hayoc[History of Armenia]*,ed:K.A, Melik O hanjanyan, Erevan, ۱۹۶۱.
- Het'um the Historian(1842), *Historian of the Tatars,(The Flower of Histories of the East)*, translator:M. Awgerean,Venice: S.Ghazar.
- Kurkjian,Vahan.M[no date], *A History of Armenia, no place*, General Benevolent Union of America.
- Manandean,Y(1903),*Hayoc'nor vkanere,1155-1843(Armenian Neo-martyrs,1155-1843)*, editor Hrh Acharean, Vagharshapat.
- Orbelean, Step'annos(1866), *Histoire de la Siounie*, translate to french by M. Brosset, St. Petersburg, anonyme.
- Samuel of Ani(1893), *Samueli k'ahanayi Anec'woy hawak'munk' i groc' patmagrac'*, editor A.Ter-Mik'eleian,Vagharshapat, ۱۹۰۳ .
- Sparapet, Smbat, Smbatay Sparapeti taregirk'(1956), Editor:S.Agelean, Venice: S.Ghazar.
- Xach'ikyan, L(1950), *XIX Dari hayeren jershagreri hishatakaraner*, Erevan.